کارگاه داستان

تپیدن قلب اسب‌ها

علی موسی زاده
داستان نویس

تصور کنید مردی بالغ ناگهان ناپدید شود و سر از دهکده‌ای شنی دربیاورد که مردمش به جای کشاورزی یا هرکار مفید دیگری، تمام روز را شن بروبند! (زن در ریگ روان، کوبو آبه)

و یا جوانکی که صبح یک روز وقتی از خواب بیدار شود، بفهمد که تبدیل به حشره‌ای دهشتناک و بزرگ شده است (مسخ، فرانتس کافکا)

شوهر و زنی نازا را تصور کنید که برای داشتن یک بچه مرده به دکتر بهداری التماس می‌کنند تا ببرند و دفنش کنند و دلشان خوش باشد که یک بچه مرده دارند (سپرده به زمین، بیژن نجدی)

حالا شرایطی کاملا ساده را در نظر بگیرید؛ چیزی که همیشه در زندگی روزمره با آن سر و کار دارید. مثلا یک جاکفشی. بله بله همین قدر دم دستی. مسلما جاکفشی خانه از آن دست وسایلی است که معمولا جایی ثابت و لایتغیر دارد. حالا فرض کنید که فردا صبح وقتی می‌خواهید از خانه بیرون بزنید، به محض اینکه سراغ کفش هایتان می‌روید متوجه شوید کسی، بی‌آنکه خبر داشته باشید، جاکفشی را جابه‌جا کرده است. در همان لحظه است که چیزی اتفاق می‌افتد. چیزی که شاید قلبتان را به تپش نیندازد، اما مثل جریان برقی که از یک باتری قلمی خارج شده، جریانی ضعیف و قلقلک‌وار، از بدنتان عبور و کاری می‌کند که جاکفشی را ببینید؛ احتمالا خراشی روی بدنه‌اش افتاده که اصلا به چشم نیامده و دور دسته هایش کمی سیاه شده که نشان از لمس‌های مکرر روزانه در طولانی مدت دارد. در این لحظه خاص است که جاکفشی حجم می‌گیرد. وزنش را احساس می‌کنید و گویا از عصب هایتان می‌آویزد. این غبار عادت است که به آنی زدوده شده و به شما این مجال را داده است که شیئی را ببینید که هرروز جلوی چشمتان است و هرروز آن را لمس می‌کنید...

بگذارید در ستایش «آشنازدایی» چندکلمه‌ای با هم همراه باشیم.

«یک روز صبح گرگور زامزا از خوابی آشفته بیدار شد و فهمید که در تختخوابش به حشره‌ای عظیم مبدل شده است...» (مسخ، فرانتس کافکا، ترجمه فرزانه طاهری)

شاید حق با آن دسته از پژوهشگرانی باشد که اعتقاد دارند کار هنر و ادبیات، آشنازدایی از زندگی روزمره است. انگار اثر ادبی خلق می‌شود تا ما را که از عادت پریم و نسبت به تجربه‌های روزمره مان کرخت و بی‌حس شده‌ایم شوک بدهد. لحظه‌ای چیزی را جابه‌جا کند، یک چیز ساده و کوچک را، و ما را وادار کند تا آن را ببینیم. نه آن طور که همیشه به چشممان می‌آید، بلکه واقعا آن را ببینیم؛ خش‌ها و لکه‌های کوچکش را. باعث شود پدیده‌های زندگی که به خاطر عادت و تماس زیاد به سایه تبدیل شده‌اند، جان بگیرند و حجیم شوند. به چشم بیایند و دوباره آن‌ها را درک کنیم.

بگذارید کمی علمی‌تر به قضیه نگاه کنیم. در مباحث علوم اعصاب، پدیده‌ای وجود دارد به نام «آستانه تحریک» یعنی یک سلول عصبی (نورون)، برای مثال سلولی که وظیفه دریافت فشار مکانیکی در بدن را دارد، همان چیزی که به آن می‌گوییم لامسه که قادر نیست نشستن یک پشه را روی پوست حس کند. به این دلیل که وزن پشه چنان کم و ناچیز است که به آستانه تحریک سلول عصبی نمی‌رسد. حالا به بُعد دیگر قضیه نگاهی بیندازیم که کمی ترسناک است؛ اینکه پیام‌های تکراری باعث بالارفتن آستانه تحریک می‌شوند. برای درک عملی این جمله با انگشت سبابه یک دست به پشت دست دیگر ضربه بزنید... این کار را دوباره و چندباره تکرار کنید. مدام و مستمر. بعد از چندین ضربه متوالی، مثلا سی ضربه، متوجه می‌شوید آن نقطه از دست بی‌حس شده است. به این خاطر است که آستانه تحریک سلول‌هایی که وظیفه ارسال پیام این حس را به مغز دارند، با هر ضربه، بالاتر می‌رود. این کار آن قدر ادامه پیدا می‌کند که باید ضرباتی بسیار محکم‌تر به دستتان بزنید تا پیام ارسال شود. این درست همان بلایی است که تکرار در زندگی روزمره بر سر ما می‌آورد. اینکه به مرور به موجوداتی بی‌حس و کرخت تبدیل می‌شویم؛ در برابر اشیا و آدم‌ها و اتفاقات و هر آن چیزی که هرروز با آن سر و کار داریم... تنها زمانی این کرختی از بین می‌رود که چیزی خلاف عادت اتفاق بیفتد. حتی اگر چیزی در حد جابه‌جایی یک جاکفشی باشد. دقیقا به همین پدیده می‌گوییم آشنازدایی...

«بوی صابون از موهایش می‌ریخت... وقتی که حوله را روی شانه هایش انداخت احساس کرد کمی از پیری تنش به آن حوله بلند و سرخ چسبیده است...» (سپرده به زمین، بیژن نجدی)

آشنازدایی در داستان، در ساحت‌های مختلفی اتفاق می‌افتد؛ در توصیف (مثلا همین داستان «سپرده به زمین» بیژن نجدی)، در قصه (داستان «مرض حیوان» پیمان اسماعیلی)، در ویژگی‌های یک شخصیت (رمان «سلاخ خانه شماره پنج» کورت وونه گات)، در فرم (رمان «نفرین ابدی بر خواننده این برگ‌ها» مانوئل پوییگ)، در محتوا (رمان «بار هستی» میلان کوندرا) و هر ساحت دیگری از متن و داستان. باید با خودتان تمرین کنید که به پدیده‌ها، آدم‌ها، اشیا و جانوران، متفاوت نگاه کنید.

باید ترکیب بندی یک داستان را آن قدر ورز بدهید و چنان خلاقانه بیانش کنید که برق از کله مخاطب بپرد.

یک دفترچه کوچک برای این کار کنار بگذارید و هر ایده جذاب، نگاه متفاوت و هر آن چیزی که عنصر آشنازدایی را داشته باشد، در آن بنویسید.

این کار کمک می‌کند مخاطب شما در سراسر داستان گوش به زنگ و شگفت‌زده بماند. داستان کاری می‌کند که مخاطب هر آن چیزی را که در زندگی روزمره‌اش نمی‌تواند ببیند، اینجا در داستان شما با تک تک سلول هایش، درک کند. درست همان جایی که همه قصه‌ها از یک مسیر آشنا عبور می‌کنند و حالا دیگر برای مخاطب‌ها خواندن دست این داستان‌ها کاری آسان شده، شما از مسیری دیگر بروید. کاری کنید جریان برقی مداوم در نسوج عصبی خواننده زق زق کند. طوری که دود از مغزش بلند شود. طوری که مدام در داستان شما احساس ناامنی کند و هر لحظه منتظر شگفتی جدیدی باشد. زندگی را از پشت عدسی داستانتان دوباره به خواننده نشان بدهید.

با ادای احترام ایستاده به بیژن نجدی، نویسنده‌ای سرتاپا نجابت و زیبایی، استاد مسلم آشنازدایی در داستان...

زین قند پارسی

علیرضا حیدری|مدرس ویراستاری

● ناویراسته ✗

-چی بگم بهش آخه؟؟؟ یه دفعه به سرش زده زندگی و کارش رو ول کنه؟؟؟!!!؟ اونم توی این شرایط!!!!!

● ویراسته ✓

-چی بگم بهش آخه؟ یه دفعه به سرش زده زندگی و کارش رو ول کنه! اونم توی این روزا!

● نکته

گذاشتن چند نشانهٔ نگارشی پشت سر هم نادرست است.

#زین_قند_پارسی

در همایش ملی بازشناسی نقش شاهنامه فردوسی در سیر فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی در دانشگاه فردوسی مطرح شد

شاهنامه، هویت یگانه فارسی زبانان

ویژه بزرگداشت فردوسی

محبی

گزارش خبری

هم‌زمان با ۲۵ اردیبهشت، روز بزرگداشت فردوسی و پاسداشت زبان و ادبیات فارسی، همایش بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شد. این همایش که عنوان «همایش ملی بازشناسی نقش شاهنامه فردوسی در سیر فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی» را بر خود داشت، با حضور جمعی از اهالی فرهنگ و ادبیات، دانشجویان و علاقه‌مندان، مسئولان شهری و همراهی دکتر قطب‌الدین صادقی، نویسنده و بازیگر، برگزار شد.

عکس: محسن بخشنده/شهرآرا

● **تحلیل‌های اشتباه درباره شاهنامه**

معاون فرهنگی، اجتماعی و زیارت استانداری خراسان رضوی، اولین کسی بود که در این مراسم به ایراد سخن پرداخت. حجت‌الاسلام والمسلمین حجت گنابادی نژاد، با اشاره به سخنی از امام رضا(ع) مبنی بر اینکه ایشان فرموده‌اند اگر مردم محاسن فرهنگ و اندیشه اهل بیت(ع) را بدانند، همراه‌اند و راه رستگاری محقق می‌شود، گفت: در طول تاریخ فرهنگ و اندیشه شیعی، همیشه یکی از مسئله‌ها بازتعریف و طراحی معارف دینی به زبان روز و به زبان هنر و ادب است. اگر بخواهیم از یک چهره سردمدار در مأموریت فرهنگ رضوی نام ببریم، بدون تردید آن چهره حکیم ابوالقاسم فردوسی است. کسی که به خوبی حکمت و معارف و اخلاق و حماسه و ادب و ذوق دینی را در شاهنامه خود به تصویر کشیده است. اینکه در طول بیش از هزار سال، ملل مسلمان از شاهنامه فردوسی بهره برده‌اند، یعنی شاهنامه یکی از اثرگذارترین منابع در ترجمه فرهنگ دینی و اهل بیت(ع) است. اگر برخی تحلیل‌های اشتباه درباره شاهنامه دارند، نشانگر این است که شاهنامه به درستی شناخته نشده است. او در ادامه صحبت‌های خود به دو گزارش و درخواست اشاره کرد و گفت: با احترام به همه تلاش‌هایی که به ویژه بعد از پیروزی انقلاب برای تبیین جایگاه فردوسی و شاهنامه اتفاق افتاده است، به صراحت می‌گویم بزرگ‌ترین سهم نسبت به رمزگشایی فردوسی مربوط به امام خامنه‌ای است. اهتمامی که از سوی ایشان و از روزهای آغاز انقلاب تاکنون وجود داشته است، سند گویایی است که همه کارها باید بر مبنای همان سرفصل‌ها برنامه‌ریزی شود و در دستورکار قرار بگیرد. در حوزه بازتولید اندیشه و علم، نباید به کارهای انجام شده بسنده کرد. باید همه دانشگاه‌های مشهد و حوزه علمیه خراسان در عرصه تحقیق و پژوهش برنامه دقیق داشته باشند. تعداد پایان‌نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی با محوریت فردوسی باید طبق یک برنامه منظم و دقیق پیش برود و در این میان محور بودن دانشگاه فردوسی یک امر قطعی است. عرصه دیگر عرصه تربیت نیروی انسانی و پژوهشگران و مدرسان است که این امر هم نیازمند یک برنامه مدون است. نکته دیگر تولید محصولات فرهنگی هنری و صنایع فرهنگی است. در عصر کنونی نمی‌شود فقط با فعالیت‌های پژوهشی کار خود را پایان یافته تلقی کرد. بهره بردن از فضای رسانه و فضای مجازی و اینکه فردوسی و شاهنامه از این طریق معرفی شود، مسئله مهم دیگر است. عرصه اجتماعی و دیپلماسی ادبی فرهنگی و هنری نیز موضوعی است که باید مورد اهتمام قرار بگیرد و ثمره همه این کارها ماندگاری و گسترش حقیقی آن است.

● **فردوسی زبان فارسی را تثبیت کرد**

در بخش دیگر از برنامه، محمد حسین زاده، مدیرکل فرهنگ و ارشاد خراسان رضوی، از این گفت که ۲۵ اردیبهشت، روز فردوسی و روز پاسداشت زبان فارسی، دو مقوله جدا از یکدیگر نیستند. او گفت: به واسطه نقش فردوسی و شاهکار او، این روز با نام پاسداشت زبان فارسی نیز شناخته می‌شود. قبل از فردوسی نیز اگرچه اشعار شاعران فارسی زبان در تاریخ ماندگار شده است، اما اثر شاهنامه بر حفظ و ماندگاری زبان فارسی بی‌بدیل است. فردوسی سرایش شاهنامه را، با وجود هجمه‌هایی که علیه این زبان وجود داشت تا به حاشیه رود، با زیرکی انجام داد. اگر امروز من و شما به زبان فارسی سخن می‌گوییم و از غزل حافظ و شیرینی گلستان و بوستان لذت می‌بریم، به واسطه کار بزرگ فردوسی بوده است که این زبان را تثبیت کرد تا سینه به سینه و دهان به دهان منتقل شود و امروز گنج‌های بسیاری داشته باشیم. اتفاقی که فردوسی رقم زد ماندگاری زبان فارسی است. در طول تاریخ به واسطه کشورگشایی‌ها و فرهنگ دوستی‌ها، زبان فارسی فراتر از مرزهایش پیش رفت؛ برادران افغانستان همدل و همزبان ما هستند. همچنین فردوسی حلقه مشترک ایران و تاجیکستان است. واقعیت این است که زبان فارسی تا هندوستان هم پیش رفته است.

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش از این گفت که زبان فارسی برهه‌های مختلفی را طی کرده است؛ دوره‌ای که تثبیت شد، دوره‌ای که گسترش و رشد فرهنگ و ادب فارسی را در پی داشت و دوره‌ای که نسبت به زبان و فرهنگ مان عقب‌نشینی صورت گرفت. حسین زاده گفت: در دوره قاجار و پهلوی به واسطه حضور روشن‌فکرها، ناگهان دچار خودتحقیرپنداری شدند. چون آنچه در غرب دیدند و رشد و صنعتی شدن موجود را، فکر کردند برای ما به واسطه فرهنگ و زبان و دین ماست که اتفاق نمی‌افتد. این عقب‌نشینی ضربه‌های سنگینی داشت از جمله اینکه واژگان بیگانه زیادی به زبان و ادبیات ما وارد شد که تاکنون نیز باقی مانده است.

● **ایران و زبان فارسی، پرچمدار اخلاق**

حمایت دانشجویان و استادان دانشگاه‌های خارج از کشور از غزه و فلسطین، قسمت دیگری از صحبت‌های مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی را شامل شد. او گفت: در برخی از دانشگاه‌ها شعارهایی که سر داده می‌شود به زبان فارسی است. نکته‌ای مهم که جای تحلیل و پژوهش دارد. جمهوری اسلامی به درستی دو پایه برای خود در جهان امروز بنا کرده است. یک پایه شیعی و یک پایه ایرانی. جمهوری اسلامی دین را با فرهنگ ایرانی ادغام کرد. ایران، امروز، در حوزه اخلاق پرچمدار جهان است و زبان پرچمدار نیز زبان فارسی است که یکی از سنگرهای اصلی که ما مدیونش هستیم فردوسی است. حسین زاده در بخش پایانی صحبت‌های خود با اشاره به سخنان رهبر معظم انقلاب در کنگره جهانی امام رضا(ع) از این گفت که بخشی از گسترش زبان فارسی در علم اتفاق می‌افتد.

● **کوهساری که از قلب خود شاعر می‌جوشاند**

دکتر صلاح‌الدین جامی از هرات افغانستان، استاد مدعو دیگری بود که دقایقی درباره فردوسی و شاهنامه به صحبت پرداخت. او گفت: بدون شک اصیل‌ترین مرجع هویت یگانه ما شاهنامه فردوسی است. زمانی که از او سخن می‌گوییم، قطعا او را به مثابه پدر زبان فارسی می‌شناسیم؛ رستم ماندگار فرهنگ فارسی. فردوسی آن مرد بزرگی است که بر تاریخ است نه در تاریخ. دستگاه اندیشه بزرگ او طیف وسیعی از اخلاق و حکمت و خرد و دادگری است. چون بحث از تأثیر شاهنامه فردوسی است، باید گفت که این میزان نفوذ اندیشه او بر همه شاعران پس از او هویداست. اینجاست که فردوسی به مثابه کوهساری است که از قلب خود چشمه چشمه شاعر می‌جوشاند. در حوزه زبان نقش بسیار ارزشمندی دارد. فردوسی در زمانه‌ای شاهنامه را ایجاد می‌کند که پیش از او اثر بزرگی نداشتیم. به وسیله شاهنامه می‌توانیم زیرساخت‌های زبان را گسترش بدهیم. او غیر از مقوله فرهنگ‌سازی در شاهنامه، کارگاه عظیم تولید واژه را برای ما فارسی‌زبان‌ها به راه انداخته است. برای ما فارسی‌زبان‌ها شاهنامه گره‌گاه اصلی تلقی می‌شود که هویت یگانه خود را در این اثر ارجمند می‌بینیم.

● **۱۲رخ، در ستایش عقلانیت و خرد ایرانی**

قطب‌الدین صادقی که اغلب او را با کارهای نمایشی‌اش به خاطر می‌آورند دیگر فردی بود که در این نشست با اتکا به محتوای شاهنامه درباره مرگ سخن گفت. او با اشاره به داستان دوازده رخ شاهنامه که در آن دوازده پهلوان از ایران با دوازده پهلوان از توران مبارزه می‌کنند از این گفت که داستان ۱۲ رخ فخر شاهنامه است، چون به جای اینکه هزاران سوار کشته شوند، فقط پهلوان‌ها به میدان می‌روند. او گفت: کل داستان مقدمه‌ای است بر لحظه پایانی؛ یعنی عمل گودرز بر بالای سر پیران. تنها کسی که بی‌حرمتی نمی‌کند و سر رقیبش را جدا نمی‌کند؛ گودرز است. صادقی در ادامه صحبت‌هایش گفت: می‌خواهم درباره مفهوم مرگ صحبت کنم. لحظه‌ای که گودرز برای پیران رقم می‌زند. اما پیش از آن اجازه بدهید درباره عقلانیت آن صحبت کنم. ما اینجا توصیه‌های کیخسرو به گودرز را داریم. یکی این است که آبادی‌ها را ویران نکن. دیگری می‌گوید کردار بد ممنوع. چیزی که فوق‌العاده است، تنها پند خردورزانه کیخسرو نیست. بعد از اینکه می‌خواهد جنگ شروع شود، سه شبانه‌روز خویشتن‌داری می‌کنند. این یکی از درخشان‌ترین لحظات حماسه است. از همه این‌ها درخشان‌تر انتخاب جنگ تن به تن به جای کشتن هزاران تن است. این خرد ایرانی است که ستایش‌انگیز است و آن را یکی از درخشان‌ترین لحظات شاهنامه می‌دانم. اوج حکمت و عقلانیت ایرانی است.

صادقی همچنین از چهار رویکرد درباره مرگ صحبت کرد و گفت: رویکرد اول ما به مرگ، مرگ عادی است. رویکرد دوم یک مرگ سازنده است. من اسم رویکرد سوم را گذاشته‌ام مرگ حماسی. مهم‌ترین بخش از جهان حماسه است که آدم‌ها به آن می‌اندیشند و البته مبتنی است بر غریزه و تعمق ندارد. معنای بزرگش فقط نترسیدن از مرگ است. اینجا در واقع افتخار جای درک محسوس از مرگ را می‌گیرد. رویکرد چهارم من مصداق همین عمل شگفت‌انگیز و بزرگ گودرز است. مرگ اینجا ارزش روان‌شناختی دارد. مبتنی بر اصالت فرد است و درک دیگری. رویارویی انسانی با مرگ اتفاق می‌افتد. مرگی است زیبا با درکی شکوهمند. گودرز در یک لحظه آن وحشی‌گری ذاتی را می‌گذارد کنار، کینه دیرینه‌اش را فراموش می‌کند و با شفقت در چهره پیران نگاه می‌کند و به جای اینکه سرش را ببرد، سایه‌بانی را بر جسد او قرار می‌دهد. این لحظه اگر گران‌سنگ‌ترین لحظه انسانی شاهنامه نباشد، هم‌تراز آن است. یکی از نادرترین لحظات انسانی که در حماسه فردوسی وجود دارد. من دوازده رخ را از زیباترین قسمت‌های شاهنامه می‌دانم و به خرد و دانایی فردوسی آفرین می‌فرستم.

● **مدیریت شهری، خود را کنار دانشگاه و مراکز علمی و فرهنگی می‌بیند**

صحبت‌های مجید طهوریان عسکری، عضو شورای شهر مشهد و رئیس کمیسیون ویژه توسعه و بهسازی توس، پایان بخش صحبت‌ها و سخن‌ها در این مراسم بود. او به سخنان رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۷۵ در سفرشان به مشهد برای پابوسی حضرت رضا(ع) و همچنین بازدید از آرامگاه فردوسی اشاره کرد و از این گفت که دست‌نوشته ایشان سرآغاز گفت‌وگوهای جدی نظامات مدیریتی در مجموعه آرامگاه فردوسی و آغاز یک قله جدید توجه‌ها به حکمت فردوسی است. او گفت: چهار کلیدواژه مهم در کلام رهبر معظم انقلاب به همین ترتیب که عرض می‌کنم در این دست‌نوشته بیان می‌شود. اولین کلیدواژه، فرهنگ است که ایشان از محدوده فردوسی و توس به عنوان یک خطه فرهنگی یاد می‌کنند. در پس کلمه فرهنگ به سرعت از این محدوده به عنوان یک خطه و میراث تاریخی یاد می‌کنند. بخش دوم کلام دو کلیدواژه آبادانی و زیباسازی را دارد. غرض از بیان این صحبت‌ها، این است که بگوییم مجموعه نظام مدیریت شهری خود را در کنار دانشگاه، مراکز علمی و فرهنگی و مراکز تاریخ‌ساز و تمدن‌سازی می‌بینند. بخش اول کلام یعنی حوزه فرهنگ و تاریخ، تاریخ‌نگاری و تاریخ‌سازی بر عهده استادان و اندیشمندانی چون شماست و بخش دوم، یعنی حوزه آبادانی و زیباسازی، بر عهده ما در مجموعه نظام مدیریت شهری است تا تاریخ قصه‌های ماندگار توس برای آیندگان باقی بماند و تعریف و تفسیر شود.

به گفته طهوریان عسکری همان‌طور که ما به مسئله فرهنگ و توسعه مسائل فرهنگی و تمدن حکمت فردوسی و ادبیات حماسی نگاه می‌کنیم، حتما توجه به علم و مسائل علمی را نیز در توسعه و آبادانی سرزمین توس، به عنوان یک قله درخشان برای نگاه مدیریتی در نظر داریم که می‌تواند از همین شاهنامه اقتباس شود

● **در آینده مترو به آرامگاه فردوسی می‌رسد**

این عضو شورای شهر همچنین گفت: تلاش شد در این دوره شورا، مطالعات اتصال خط ریلی مسیر ۳ مترو مشهد به آرامگاه فردوسی تحقق پیدا کند. این امر در دستورکار ویژه قرار گرفته است و در آینده مردم مشهد می‌توانند خود را از نقاط مختلف شهر مشهد به آرامگاه برسانند. زیباسازی خطه توس مسئولیت مهم دیگری است که روز به روز گنج‌های خود را بهتر نشان می‌دهد. ما برای فرهنگ و توسعه فرهنگ، آمادگی کامل داریم، به ویژه در حوزه نشر آثار ماندگار. باید تاریخ و حماسه امروز و حماسه‌ای که از حکمت فردوسی و شاهنامه برداشت می‌شود برای آینده تاریخ به یادگار بگذاریم.

رونمایی از چهار جلد مجموعه مقالات در باب شاهنامه فردوسی، اجرای نقالی و مرور دیباچه شاهنامه از بخش‌های دیگر این مراسم بود.

در پاسداری از زبان فارسی دولت باید پیشگام باشد

یادداشت

علیرضا حیدری
روزنامه‌نگار و مدرس ویراستاری

چند سالی است که بیست و پنجم اردیبهشت، گذشته از یادروز فردوسی فرزانه، روز پاسداشت زبان فارسی هم هست. فردوسی و فارسی و شاهنامه و زبان، نه تنها به هم گره خورده‌اند که این گره ناگسستنی است و فردوسی و شاهنامه بی‌زبان فارسی معنا و مفهومی ندارد. به تعبیر استاد خالقی مطلق، مصحح بهترین و علمی‌ترین تصحیح شاهنامه: «امروز اهمیت زبان فارسی در کنار اهمیت هویت تاریخی فرهنگی و ملی، مهم‌ترین آموزه این کتاب است و این دو آموزه از یکدیگر جدا نیستند.» بی‌گمان جامعه رشدیافته باید زبانی رشدیافته داشته باشد. ازاین‌رو، پاسداری از زبان فارسی برای ما یک وظیفه است. زبان فارسی امروز با آسیب‌های فراوانی روبه‌رو است؛ انبوه رسانه‌های رسمی و غیررسمی و فراوانی شمار کسانی که به صورت حرفه‌ای یا غیرحرفه‌ای می‌نویسند و قلم در دست دارند، بر دغدغه دلسوزان افزوده و نگرانی‌ها را جدی‌تر کرده است. والبته این سخن دکتر میرجلال‌الدین کزازی را نباید از خاطر برد که «اگر اکنون ما گرد هم‌دیگر جمع شده‌ایم و به زبان شیوای فارسی با یکدیگر سخن می‌گوییم، مدیون فردوسی و «شاهنامه» هستیم. زبان استوار و بی‌عیب و نقص برای شکوه و شگرفی «شاهنامه» کافی است. فردوسی تنها سخنوری است که توانسته به زبان راستین پارسی بدان‌سان که می‌سزد و می‌برازد، راه ببرد و این زبان را به شایستگی به کار بگیرد.»

در این میان سهم دولت در این بلبشوی زبانی بیشتر است، هم از این لحاظ که مجموعه سازمان‌های مرتبط با قوای سه‌گانه، جدیت و کوشش درخوری برای پاسداری از زبان فارسی به خرج نمی‌دهند، هم به این دلیل که به همان قوانینی که خود برای پاسداری از زبان فارسی تنظیم و تدوین کرده‌اند، پایبند نیستند. به طور مشخص تصویب قانون منع به کارگیری واژه‌های بیگانه در مجلس و نیز تصویب «دستور خط فارسی» در دولت و الزام آن برای همه ارکان حکومتی حتی قوه قضاییه، چندان جدی گرفته نمی‌شود. بسیاری از نوشته‌ها و متن‌هایی که امضای سازمان‌های دولتی را دارد، با اصول فارسی نویسی و درست نویسی فاصله دارد. با عنایت به این ضرب المثل که «حرمت مسجد را متولی نگه می‌دارد»، حق این است که ابتدا دولت و نهادهای زیرمجموعه آن پایبندی خود را به دستورخط ثابت کنند، آن‌گاه امیدی برای کاربست آن در جامعه خواهیم داشت. به راستی چرا دولت وزارت خانه‌های خود را وادار نمی‌کند به این قانون پایبند باشند؟ چرا وزارت علوم این دستورخط را به دانشگاه‌ها ابلاغ رسمی نمی‌کند تا هر دانشگاهی شیوه نامه‌ای خاص خود نداشته باشد؟ چرا به صداو سیما ابلاغ نمی‌شود تا آن را به کار گیرند؟ چرا به وزارت فرهنگ و ارشاد اعلام نمی‌شود تا ناشران (دست‌کم دولتی‌ها) و رسانه‌ها از یک شیوه نامه پیروی کنند؟ با یک دستی در شیوه نامه، آنچه اتفاق می‌افتد، رهایی زبان و خط فارسی از آشفتگی و پریشانی است و این خود مصداق پاسداری از زبان فارسی خواهد بود.

سوگمندانه باید گفت که زبان فارسی در روزگار ما کوچک‌تر از آن چیزی است که در روزگارانی جغرافیای وسیعی را در بر می‌گرفت و به تعبیر دکتر علی اشرف صادقی، عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی، زبان فارسی پیوستگیِ تاریخیِ شگفتی داشته است و از نیک بختی‌های آن است که از روزگارِ هخامنشیان تا به امروز پیوستارِ زبانی داریم و زبانِ پارسی از آن کهن روزگار تا به امروز راهی سرراست را پیموده است، با این حال، خطر همیشه بیخ گوش این زبان بوده است و خواهد بود. آثار این خطر را می‌توان در این نگاه رهبر معظم انقلاب دید که «یک روز از چین تا روم و همین آسیای صغیر، مرز زبان فارسی را تشکیل می‌دادند. انسان می‌بیند که در دوران عثمانی، دیوان و مکاتبات آن‌ها به زبان فارسی بوده است و شعرایی به زبان فارسی داشتند. بهترین شعرای بخشی از دوران عثمانی، شعرای فارسی‌گو هستند؛ وضع هند و شبه‌قاره هند هم که معلوم است.» و این زبان به واقع نیازمند پاسداری و پاسبانی است.

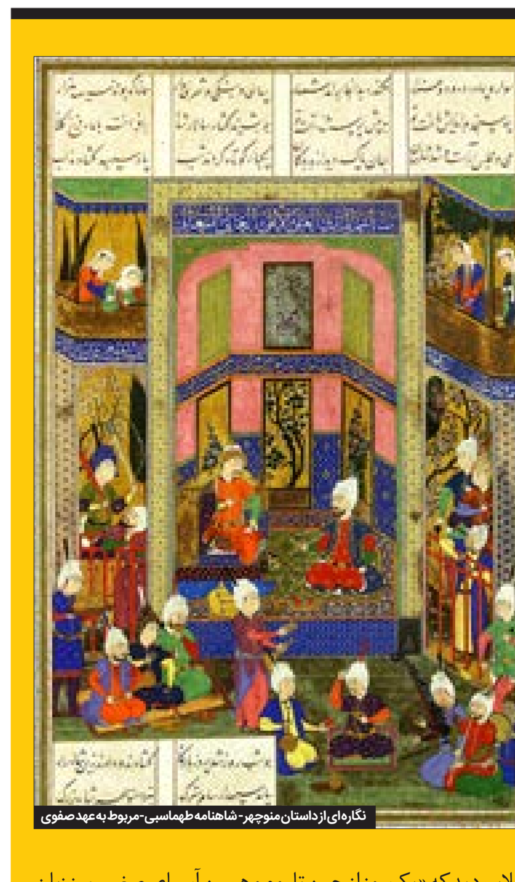

نگاره‌ای از داستان منوچهر- شاهنامه طهماسبی- مربوط به عهد صفوی

شهردار مشهد در مراسم بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی بیان کرد

همسایگی با فردوسی افتخار ماست

ویژه بزرگداشت فردوسی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی: خراسان خطه زرخیز و حکیم‌پرور ایران است

خادم

گزارش خبری

مراسم بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی عصر دیروز، بیست و پنجم اردیبهشت، در آرامگاه حکیم توس برگزار شد. محمدرضا قلندرشریف، شهردار مشهد و محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت سیزدهم، سخنرانان اصلی این مراسم بودند و اسماعیلی متن پیام رئیس جمهور را نیز قرائت کرد. اجرای نمایش، ضرب زورخانه‌ای و اهدای نشان فردوسی به سه نفر، از دیگر برنامه‌های این مراسم بود. محمد معتمدی، خواننده، آخرین کسی بود که روی صحنه حاضر شد، اما اجرای او به دلیل رگبار ناگهانی و شدید بهاری ناتمام ماند. آنچه در ادامه می‌آید، گزارشی است از اظهارات سخنرانان این مراسم.

عکس: محسن بخشنده/شهرآرا

● **فردوسی قله حکمت و شعر است**

در این مراسم، محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در سخنانی گفت: فردوسی برای همیشه تاریخ ما یک قله مرتفع از حکمت و فلسفه و شعر و ادب است. فردوسی کاخ بلندی را به نام شعر و زبان پارسی در پناه حکمت ایرانی اسلامی بنا نهاده است که همیشه سرافراز خواهد ماند. خدا را شاکریم که در طول سال‌های اخیر توجه به این مفاخر روزافزون شده است. توس بزرگ ما زادگاه و محل زیست حکیمانی گران‌قدر بوده است. به همین منظور و برای تکریم و تجلیل از دانشمندان توسی، به زودی در این شهر باغ مفاخر توس راه‌اندازی خواهد شد.

او سپس متن پیام رئیس جمهور را خواند:

«به نام خداوند جان و خرد/ کز این برتر اندیشه برنگذرد

تمدن و فرهنگ ایران اسلامی یک حقیقت بزرگ در قلب پیکره تنومند تمدن درخشان اسلامی است؛ تمدنی که در اوج تاریکی قرون وسطای غرب، گوهر اندیشه را در فطرت خداجوی انسان زنده نگاه داشت و با روح معنویت متأثر از پیام آخرین و کامل‌ترین پیام‌آور الهی، آینده بشریت را در پرتو آموزه‌های وحیانی و توحیدی روشنی بخشید.

در قلب این تمدن کهن شرقی، فرهنگ ایرانی به مثابه سرچشمه‌ای فیاض، نه فقط به جهان اسلامی عظمت داد که همچون حلقه‌ای کانونی، نقطه پیوند زنجیره بیداری شرق و غرب شد، تا جایی که در اوج مادی‌گرایی جهان سرگشته امروز، توانست همچنان پرچم‌دار معرفت حقیقی و طلایه‌دار دادگری و خردورزی باشد.

در این مسیر طولانی، زبان فارسی به عنوان زبان دوم جهان اسلام، در کنار کلام الهی، همواره زبان گویای معرفت، عصمت و ارادت به خاندان مطهر کرامت(ع) بوده است و در طول تاریخ هزار و چندصد سال گذشته، بزرگانی از این سرزمین برخاسته‌اند که با استعداد و توانمندی بی‌نظیر خود، مهم‌ترین شاهکارهای هنر و تفکر بشری را آفریده‌اند که به کالبد تاریخ ایران در سایه سار دین اکمل خداوند، حیاتی دوباره دمیده شد.

در تاریخ این زبان و در مسیر تکامل تمدن درخشان ایرانی اسلامی، یک نام نقشی بی‌همتا دارد و او بی‌تردید فردوسی بزرگ است. شاهنامه حکیم فرزانه توس، نماد آزادگی، دادگری، پایمردی جوانمردانه و خردورزی عجین شده با ولایت‌دوستی افتخارآفرین مردمان این سرزمین است؛ مردمی که همیشه کنار حق ایستاده‌اند، نه پشت منافع؛ مردمی که به هر بهایی دست متجاوز را از خاک خود کوتاه کرده‌اند و رستم وار قلب اهریمن را با ایمان به وعده صادق الهی، هدف گرفته‌اند.

فردوسی تنها یک شاعر نبود که او را باید جان مایه و چکیده فرهنگ ایران اسلامی دانست که هویت ایرانی را بر دو بال ایران‌دوستی و ولایت‌پذیری خاندان عصمت و طهارت(ع)، در مسیر کمال به پرواز درآورد. فردوسی حکیم در شاهنامه کاخی بلند از نظم و قلعه‌ای بزرگی از حماسه بنا کرد که زیربنای آن از زبان فارسی و برج و باروی‌اش از مهر علی(ع) آبادان شده است.

اکنون کوشش برای بزرگ داشتن و بازشناسی اندیشه و هنر این حکیم فرزانه به جامعه امروز و به ویژه نسل جوان آتیه‌ساز ایران اسلامی در آستانه گام دوم انقلاب، در مسیر همدلی و تحکیم هویت ملی اسلامی و اعتلای الگوهای تمدنی جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان، نقطه‌ای کانونی به شمار می‌رود. دولت مردمی، بر همین اساس، با تمام توان حامی بزرگداشت مفاخری چون حکیم ابوالقاسم فردوسی است و برای رشد دامنه جهانی این اقدام برنامه وسیعی داشته و خواهد داشت.

در پایان ضمن قدردانی از دست‌اندرکاران برگزاری این همایش، روز پاسداشت زبان فارسی و بزرگداشت فردوسی بزرگ را به مردم فرهنگ‌پرور و هنردوست ایران و همه ملل فارسی زبان و دوستداران این حکیم نامدار در سراسر گیتی تبریک می‌گویم و برای خادمان فرهنگی کشور و پاسداران فرهنگ و زبان فارسی توفیقات روزافزون مسئلت دارم. سید ابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری اسلامی ایران.»

● **خدمات این دوره دوبرابر اقدامات یک دهه گذشته**

همچنین محمدرضا قلندرشریف در آیین بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی اظهار کرد: هر شهری فلسفه وجودی خود را دارد. مشهدالرضا(ع) از زمان تأسیس بر کرانه خورشید ولایت و امامت شکل گرفت و به برکت حضور عالم آل محمد(ع)، شهروند و گردشگر معنایی ندارد و هرچه هست، یا مجاوران هستند یا زائرانی که به بارگاه منور رضوی مشرف می‌شوند. مشهد خورشیدی به نام علی بن موسی الرضا(ع) دارد و در جوار این خورشید، ستاره‌هایی در فرهنگ، حکمت، علم و دانش پرورش یافته‌اند و فردوسی ازجمله سرآمدان این ستاره‌هاست.

وی در ادامه افزود: شاهنامه فردوسی یک معجزه ادبی و حماسی محسوب می‌شود و افتخار ماست که به عنوان فارسی زبان، همسایه این شاعر شهیر هستیم. رهبر معظم انقلاب نیز به صراحت تأکید دارند که صاحبان علم و اندیشه در طول زمان، او را حکیم دانسته‌اند و شاهنامه پر است از حکمت‌های انسانی و برخوردار از معارف ناب دینی. فردوسی زبانی محکم و استوار دارد. او دل باخته و مجذوب مفاهیم و حکمت اسلامی است و شاهنامه را باید با این دید نگاه کرد.

شهردار مشهد بیان کرد: در همین تاریخ معاصر خودمان، خیلی از همین شهدا همچون باکری‌ها، برونسی‌ها، همت‌ها و سلیمانی‌ها در هیبت قهرمانان جاودانه مطرح هستند و امروز نیز امثال حاجی‌زاده‌ها، قاآنی‌ها و سلامی‌ها پرچم‌دار این حماسه هستند. مسئولیت ویژه ما نیز تکریم این عزیزان و بزرگداشت مقام آن‌هاست.

وی ادامه داد: نقطه عطف رسیدگی به مجموعه شاهنامه در تیرماه ۱۳۷۵ اتفاق افتاد. یعنی همان زمانی که رهبر معظم انقلاب به این منطقه آمدند و به بزرگداشت فردوسی توصیه کردند. از سال ۱۳۹۲ نیز محدوده توس به عنوان یک منطقه ویژه مطرح شد و از همان زمان نهادهای مسئول توجه به این بخش به عنوان محدوده منفصل شهری را در دستورکار قرار دادند. با این حال، در دوره ششم مدیریت شهری کمیسیون توسعه و عمران توس ویژه‌ترین خدمات را ارائه کرده و توجه خود را در عمل نشان داده است.

قلندرشریف تصریح کرد: در این دوره حدود دوبرابر اقدامات یک دهه گذشته خدمت ارائه شده است. در این دوره تا امروز حدود هزار میلیارد تومان در این محدوده منفصل شهری هزینه شده و همه آن نیز از منابع مالی مدیریت شهری بوده است. این همان رسالتی است که از امر رهبر معظم انقلاب بر دوش داشتیم و حتی همین امسال نیز حدود ۵۰۰ میلیارد تومان اعتبار اختصاص یافته است که هزینه خواهد شد و یک قلم از آن همین آسفالتی است که در معابر اجرا شده و سه برابر دهه گذشته پروژه اجرا شده است.

وی تأکید کرد: کارگروه ویژه‌ای در مشهد وجود دارد به نام «حکیم توس» و برای بزرگداشت فردوسی در دهه حماسه و ادب برنامه‌ریزی ویژه دارند. این برنامه ازجمله همان تلاش‌هاست و این فرصت را بهانه‌ای می‌دانم تا از همه عزیزانی که در بزرگداشت حکیم توس تلاش می‌کنند، تشکر کنم. آیت‌ا... علم‌الهدی، استاندار خراسان رضوی و همه مدیران پای کار بوده‌اند و قدردانی از آن‌ها بر ما واجب است.

● **اهدای نشان ملی فردوسی به اهالی ادب و حماسه**

نشان ملی فردوسی امسال در سه عرصه حماسه‌سازی، حماسه‌پژوهی و حماسه‌سرایی به ترتیب به سردار امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای انجام عملیات وعده صادق، دکتر محمدجعفر یاحقی استاد زبان و ادبیات فارسی و مدیر قطب فردوسی‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد و عضو پیوسته شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی به پاس سال‌ها تحصیل و تعلیم زبان و ادب فارسی و مریم قربان‌زاده به پاس نگارش کتاب‌هایی در عرصه حماسه و ادبیات حماسی ازجمله نوشتن کتابی به نام «خاتون و قوماندان» اهدا شد.

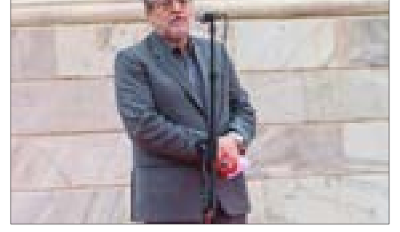

کتاب «قدمت بر چشم» در مشهد رونمایی شد

توصیف ارادت ایران به زوار سلطان خراسان

ریحانه موسوی

گزارش خبری

عکس: محسن بخشنده-شهرآرا

آیین رونمایی از کتاب «قدمت بر چشم» ظهر دیروز به همت اداره کل کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی، با حضور سید جلیل بامشکی، معاون زیارت و گردشگری شهرداری مشهد، مهدی قزلی و عطیه هراتی مطلق، نویسندگان اثر و حسین نوربخش، سرپرست اداره کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی و مشارکت سازمان فرهنگی و اجتماعی معاونت زیارت و گردشگری شهرداری مشهد در کتابخانه مرکزی امام خمینی(ره) مشهد برگزار شد. این کتاب در راستای پویش قدمت بر چشم با هدف جمع‌آوری خاطرات خدمت و میزبانی از زائران امام رضا(ع) برای تهیه و چاپ کتابی با همین عنوان، مرداد ماه سال گذشته آغاز شد. در این طرح ۱۵۰ خاطره از روایات و خاطرات زائران به دبیرخانه برگزاری این پویش رسید و پس از داوری، ۲۲ داستان برای نگارش کتاب «قدمت بر چشم» به قلم مهدی قزلی انتخاب شد.

مهدی قزلی، نویسنده کتاب «قدمت بر چشم»، با اشاره به سالروز بزرگداشت شاعر نامی و بزرگ ایران، ابوالقاسم فردوسی گفت: فردوسی سهم و نقش بزرگی در حفظ و مانایی زبان پارسی داشته است. وی در توضیح فضا و حال‌وهوای کتاب «قدمت بر چشم» گفت: این کتاب دربردارنده موقعیت افرادی است که به هر نحوی در حال خدمت به زائران حضرت رضا(ع) بوده‌اند. باور من بر این بوده است که خدمت میزبانی به زائران امام رضا(ع)، ماجرایی جاری و مهم در این سرزمین است. اگر مسیر بغداد به مدینه و برعکس را در نظر بگیریم، به این نتیجه خواهیم رسید که ایرانیان سابقه‌ای طولانی در میزبانی از زائران حضرت ثامن الحجج(ع) داشته‌اند.

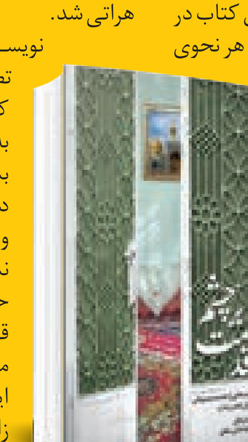

قزلی افزود: سبقه میزبانی مردم ایران و به ویژه مردم مشهد از زائران امام رضا(ع)، مملو از خاطراتی است که کمتر یا می‌توان گفت هرگز به آن پرداخته نشده است؛ بنابراین برای انجام این کار نیازمند حضور فردی بودم که در مشهد مستقر باشد و این آغاز همکاری با عطیه هراتی شد.

نویسنده کتاب «قدمت بر چشم» تصریح کرد: با مطالعه این کتاب، بدون شک هر فردی به این نتیجه خواهد رسید که بسیاری از خاطرات می‌توانست در این اثر گنجانده شود.

وی ضمن ابراز امیدواری نسبت به اینکه کتابش سرآغاز حرکتی عظیم در ثبت این قبیل خاطرات شود، افزود: مایه مباهات است که امروزه ایده‌های مراقبت و خدمت به زائران بسیار وسیع و از محدوده جغرافیایی خارج شده است.

عطیه هراتی مطلق، دیگر نویسنده کتاب «قدمت بر چشم» ضمن تبریک ایام دهه کرامت، گفت: سابقه آشنایی من با مهدی قزلی به کلاس‌های آموزشی ادبیات برمی‌گردد و بنده افتخار شاگردی ایشان را داشتم. برای من باعث افتخار است که در این اثر مشارکت داشتم و سوژه‌ها و روایت‌های مختلف تجربه زندگی در مشهد را که حاصل مصاحبه‌های طولانی با افراد مختلف است در این اثر درج کردم.

وی درباره نام کتاب، اظهار کرد: «قدمت بر چشم» بهترین معرف کتاب است. عنوانی که به تمام معنا سابقه میزبانی و ارادت نه تنها مردم مشهد و خراسان بلکه تمام کشور را نشان می‌دهد.

● **میزبانی مناسب زائران دغدغه مدیریت شهری**

در بخش دیگری از این مراسم، سید جلیل بامشکی، معاون زیارت و گردشگری سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد نیز اظهار امیدواری کرد که این اثر تأثیر بسزایی در ترویج فرهنگ میزبانی داشته باشد و افزود: با توجه به اولویت‌های ما در شهر مشهد، یکی از دغدغه‌های اصلی این سازمان ارائه میزبانی مناسب به زائران امام رضا(ع) بوده است.

سرپرست اداره کل کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی نیز اظهار کرد: کتابخانه‌های عمومی امروز بزرگ‌ترین شبکه فرهنگی کشور هستند. وی با اشاره به برگزاری آیین‌های رونمایی از کتاب و برنامه‌های متنوع فرهنگی کتاب محور در کتابخانه‌های عمومی استان، افزود: این قبیل فعالیت‌ها در راستای هدف ترویج فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی و گام نهادن در مسیر انجام رسالت اصلی خود، مبنی بر رشد فرهنگ عمومی است. اگر چه که این مهم بدون شک مسئولیت ما را خطیرتر خواهد کرد.

کتاب «قدمت بر چشم: روایت‌هایی از خدمت و میزبانی زائران امام رضا(ع)» اثر مهدی قزلی و عطیه هراتی مطلق در ۲۱۵ صفحه توسط انتشارات بوی شهر بهشت مشهد به تازگی چاپ شده است.

درنگ

جامه ابدیت سخنور توس بر تن فارسی‌زبانان

مجسمه حکیم ابوالقاسم فردوسی در تاجیکستان که جایگزین مجسمه لنین شد

شاه‌منصور شاه‌میرزا
کارشناس تاجیکستان در مؤسسه فرهنگی اکو

فردوسی در تاجیکستان بود، هست و خواهد ماند. مردم تاجیک همانند هم زبانان خود در اقصی نقاط جهان شاید از نخستین روزهای تألیف شاهنامه و پخش و نشر آن در اذهان و زبان مردمان و نیز کتابت آن، با روح این اثر و گوینده بانام آن هم صدا و همراه بودند و احتمال می‌رود در آن روزگارانی که مرزهای امروزی وجود نداشت، از مرگ هوشنگ، پسر سی‌وهفت ساله دانای توس گریان و از پایان پیروزمندانه انشای شاهنامه شادمان شده‌اند و آنگاه که محمود غزنوی با دلایل مختلف نامه باستان را نپذیرفت، همراه با سراینده شاهنامه او را نفرین و شاید در نوشتن هجو او با افزودن ابیاتی بر آن همراهی کرده‌اند. منابع در این زمینه اخبار ضدونقیضی دارند که شاید هم خود فردوسی آن را نوشته و احتمال هم می‌رود این هجو از سوی آنانی که حکومت او را قبول نداشتند، سروده شده باشد.

باری، فردوسی با شاهکار شاهوارش در بطن جامعه ما، در سویدای قلب مردمان آن دیار و در هر رسم‌وآیینشان قرار داشته و دارد. بعید نیست نام رستم و سیاوش و اسفندیار و گیو و گودرز قبل از سرودن شاهنامه برای مردمان آن خطه آشنا و در زبانشان بود، ولی یقین دارم سخنور طوسی جامه ابدیت بر تن آنان کرد و روایات و اسطوره را از زبان فردوسی مکتوب شد. اگر این طور نبود، رنگین‌کمان آسمان از زبان مردمان این سرزمین «کمان رستم» خوانده نمی‌شد، زادن طبیعی زنان «رستمینه» نبود و صفت دلیران و قهرمانان «رستمانه» یا رستم‌پنجه صدا نمی‌داد.

بدون اغراق خانواده‌ای را در تاجیکستان و سایر کشورهای آسیای میانه نمی‌توان پیدا کرد که به فرزندان خویش از شاهنامه نامی ننهاده باشد یا دست‌کم ابیاتی از نامه ارزشمند فردوسی از حفظ نباشند. قابل ذکر است، در اکثر نقاط وراروادان شاهنامه پسند خاص‌وعام بود و هست و حتی در دشت‌های قزاق به نوشته اتگین کمیسبایف، محقق قزاقستان یک جلد شاهنامه مهریه عروسان بوده است.

استاد صدرالدین عینی (۱۸۷۸-۱۹۵۴) بنیان‌گذار ادبیات نوین تاجیک به مناسبت هزاره فردوسی در سال ۱۹۳۴ رساله ارزشمند «درباره فردوسی و شاهنامه او» را تألیف کرد که این فتح بابی در فردوسی‌پژوهی در وراروادان بود. عینی در این نوشته با دقت تمام زندگی فردوسی را مرور می‌کند و برخی اخبار تذکره و منابع را افسانه و روایات بافته‌وساخته می‌داند و اخبار صحیح را با تکیه بر متن شاهنامه در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد و نیز درباره مقلدان فردوسی، سروده‌ها در ستایش گوینده شاهنامه سخن می‌گوید و واژگان شاهنامه را که در میان مردم وراروود کاربرد دارند، اظهار نظر می‌کند.

استاد عینی همان‌گونه که پیرامون زندگی مشاهیر فرزانه فارسی زبان-رودکی، ابن سینا، بیدل دهلوی، زین‌الدین محمود واصفی.... رسایل ارزشمند و پربار تألیف کرد، نوشته‌اش از زندگی و احوال فردوسی نیز دارای اهمیت فراوان است. جایی که می‌نویسد: «سلاست شاهنامه به درجه‌ای است که اگر به نثر نقل کردن هر کدام از بیت‌های آن خواهش کرده شود، غیر از سخن‌هایی که خود حضرت استاد کار فرموده است، سخن دیگری یافتن ممکن نیست. استاد مثل اینکه به طرز عادی سخن می‌گفته باشد، با یک سلاست طبیعی شعر انشاد کرده است.»

پس از این رساله مهم استاد عینی بود که دانشمندان و محققان و هنرمندان تاجیک دست به آموزش، تحقیق و تهیه آثار راجع به فردوسی و شاهنامه شدند. چنانچه، ساتم الغ زاده، نویسنده زبردست، شاهنامه را به نثر برگرداند و این کتاب با شمارگان ۵۰ هزار نسخه سال ۱۹۷۷ منتشر شد و در مدت کمتر از یک ماه نایاب شد. این در حالی بود که جمعیت تاجیکستان آن زمان کمتر از چهار میلیون نفر بود و بارها تجدید چاپ شد. همچنین، استاد با الهام از این شور و شوق مردم به شاهنامه، دست به تألیف رمان فردوسی زد و در سال ۱۹۸۵ آن را منتشر کرد که در سال ۱۹۹۶ (۱۳۷۴) کتاب سال ایران برگزیده شد. چاپ کامل شاهنامه در تاجیکستان سال‌های شصتم قرن گذشته آغاز شد و تاکنون سه بار منتشر و به بازار عرضه شده است.

همچنین در سال‌های ۶۰ و ۷۰ قرن گذشته شرکت سینمایی تاجیکستان، تاجیک فیلم بر پایه داستان‌های شاهنامه سه فیلم- «کاوه آهنگر» (۱۹۶۱)، «داستان رستم» (۱۹۷۰) و «داستان سیاوش» (۱۹۷۶) را با کارگردانی بوریس کیمیاگراف ساخت که در میان مردم استقبال صمیمی پیدا کرد.

فرهنگ مختصر شاهنامه را ابراهیم علی‌زاده، محقق تاجیک تهیه کرد. شاهنامه خوانی در گذشته و امروز در تاجیکستان از رونق بی‌سابقه برخوردار بوده و بارها از طریق رادیو سراسری انجام شده است. بزرگ‌ترین کتابخانه تاجیکستان در زمان اتحاد شوروی نام فردوسی را داشت. تندیس و مجسمه‌های این شاعر نامدار در بسیاری از شهرهای تاجیکستان نصب شده و چندین خیابان و میدان و کوچه، شهرک و محله، مکاتب و مراکز علمی نام این بزرگ مرد را دارند.

جا دارد در روز بزرگداشت فردوسی و زبان فارسی از فردوسی پژوهان نامدار تاجیک یادی کنیم، از جمله باباجان غفوراف، خالق میرزازاده، کمال عینی، ظاهر احراری، بهرام سیروس، شریف جان حسین زاده، عبدالغنی میرزایف، موسی رجب اف، رسول هادی زاده، میرزا ملااحمد، معروف رجبی، شریف شکوراف، اعلاخان افصح زاد، خدایی شریف زاده، مکرمه قاسم‌آوا، عبدالنبی ستارزاده، شادی اسراراف، حفیظ رعوف زاده، صفر عبدا...، شادی جان یاراحمدزاد، که در نشر و معرفی شاهنامه خدمات سزاوار تحسین انجام داده‌اند.

توجه رئیس جمهور تاجیکستان محترم امامعلی رحمان به شاهنامه و مؤلف آن بر سر زبان‌هاست. که در پنجم دسامبر سال ۲۰۲۳ در سمپوزیوم بین المللی به افتخار ۱۱۵ سالگی آکادمسین باباجان غفوراف دستور داد به خاطر آگاهی بیشتر مردم از تاریخ و فرهنگ و تمدن نیاکان خویش شاهنامه فردوسی نشر و به طور رایگان در دسترس هر خانواده تاجیک قرار بگیرد.

رئیس جمهوری تاجیکستان گفت: «اگر ما بخواهیم که جاودان در این سرزمین روح فردوسی را زنده نگاه داریم و خود را وارث واقعی او بدانیم، باید همه اندرزهای او را حفظ نموده، طبق آن‌ها عمل کنیم، بهر آرامش و آسایش، وحدت و یگانگی و پایدار گردیدن صلح به جان بکوشیم.»

ابتکار رئیس جمهوری تاجیکستان از سوی جامعه فرهنگی ایران نیز با استقبال صمیمی روبه رو شد و از جمله دکتر محمد جعفر یاحقی، مدیر خردسرای فردوسی و دانشمند ممتاز، دکتر میرجلال‌الدین کزازی، آن را ستودند.

باباجان غفوراف، دانشمند سرشناس تاجیک که با ابتکار او شاهنامه به زبان روسی ترجمه و نشر شد، در یکی از مصاحبه هایش جایگاه فردوسی و شاهنامه را آن‌گونه تشریح می‌کند: «شاهنامه یک دریاست و فردوسی تنها یک شاعر نیست. در این دریا باید با صبوری و مداومت کاوش کرد، تا به تازه‌تر‌ها رسید. فردوسی هم اجر و عظمتی بیش از یک شاعر دارد: تاریخ را خوب می‌شناسد، اجتماعش را هم. به این دلیل ضرورت‌ها را تشخیص می‌دهد و از آینده نگری چشمگیری برخوردار است، یعنی وقتی داستانی را بازمی‌گوید، با توجه به تاریخ، موقعیت‌ها، ضرورت‌های اجتماعی و آینده، از موضع مشخص شروع به روایت کرده است.»

شاید بتوان گفت حرف غفوراف کلام همه مردم و پژوهشگران تاجیک است که از زبان او صدا داد.